

ایران

احترام به میانی حقوق بشر در ایران بخصوص آزادی بیان و عقیده در سال 2005 تنزل یافته است. حکومت بطور مرتب از شکنجه و سوء برخورد هایی نظیر حبس های انفرادی بلند مدت برای تنبیه ناراضیان استفاده می کند. قوه قضائیه که به رهبر ایران آیت الله علی خامنه ای پاسخگو است مرکز بسیاری از موارد جدی نقض حقوق بشر بوده است. عوامل این موارد آنچه ایرانیان "نهادهای موازی" می خوانند هستند: گروه های شبه نظامی و نیروهای اطلاعاتی لباس شخصی دست به حملات خشونت آمیز علیه تجمعات مسالمت آمیز زده، سرویس های اطلاعاتی زندانی سری و مراکز بازجویی غیرقانونی در اختیار دارند. رئیس جمهور محمود احمدی نژاد که در ژوئن 2005 انتخاب شد کابینه ای تحت سلطه اعضای سابق نیروهای اطلاعاتی امنیتی تشکیل داد. برخی از اعضای کابینه متهم به دست داشتن در نقض های جدی حقوق بشر نظیر قتل روشنفکران ناراضی طی بیست و شش سالی که از تاسیس جمهوری اسلامی ایران می گذرد هستند.

آزادی بیان و عقیده

مقام های ایران از آوریل 2000 که حکومت بستن روزنامه ها و زندانی کردن خبرنگاران و روزنامه نگاران را آغاز کرد، بطور سیستماتیک آزادی بیان و عقیده را سرکوب کرده اند. در نتیجه روزنامه های مستقل بسیار معدودی باقی مانده اند و آنها نیز در حال خودسانسوری شدیدی هستند. بسیاری از نویسندگان و روشنفکران یا از کشور خارج شده اند، یا در زندان هستند و یا از انتقاد دست کشیده اند. مقام های ایران در طی سال 2005 وب سایت ها و خبرنگاران اینترنتی را به منظور جلوگیری از انتقال اخبار و اطلاعات از طریق شبکه اینترنت مورد هدف خود قرار داده اند. قوه قضائیه از سپتامبر تا نوامبر 2004 بیش از بیست وبلاگ نویس و روزنامه نگار اینترنتی را حبس و شکنجه کرده و در سلولهای انفرادی طولانی مدت قرار داد. حکومت بطور سیستماتیک وب سایت هایی که حاوی اخبار و تحلیل های سیاسی از داخل و خارج ایران هستند را مسدود می کند. در دوم فوریه 2005 دادگاهی در استان گیلان آرش سیگارچی را بعلت نوشته های خود بر روی شبکه اینترنت به چهارده سال زندان محکوم کرد. در اوت 2005 قوه قضائیه یک وبلاگنویس دیگر بنام مجتبی سمیعی نژاد را به خاطر "اهانت" به رهبران ایران به دو سال زندان محکوم کرد.

شکنجه و بد رفتاری در حبس

بدنبال بسته شدن روزنامه ها و مجله های مستقل و سرکوب گزارش های مربوط به نقض حقوق بشر رفتار با محبوسین زندان اوین و سایر مراکز حبس که بطور مخفیانه تحت نظر قوه قضائیه و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اداره می شوند وخیم تر شده است. مسئولین افرادی را که بدلیل بیان صلح آمیز دیدگاه های سیاسیشان زندانی شده اند مورد شکنجه و بد رفتاری قرار داده اند. قضات اغلب اعترافات اجباری را می پذیرند. مسئولین از انفرادی های طویل المدت که اغلب در سلولهای زیرزمینی صورت می گیرند برای گرفتن اعترافات اجباری (که بطور ویدئویی ضبط می شوند) و نیز اخذ اطلاعات مربوط به همکارانشان استفاده می کنند. انفرادی های طویل المدت توام با عدم امکان دسترسی به وکیل فضائی ایجاد می کند که در آن زندانیان هیچ راهی برای مقابله با نحوه برخورد با آنان در زندان ندارند.

قوه قضائیه در ژوئیه 2005 با انتشار یک گزارش داخلی نقض های جدی حقوق بشر از جمله استفاده وسیع از شکنجه، حبس های غیرقانونی و تکنیک های بازجویی خشونت آمیز را پذیرفت. اما قوه قضائیه بدنبال این یافته ها دست به هیچ اقدامی نزد و هیچ فردی را مسئول نشناخت.

معافیت از مجازات

هیچ مکانیزی برای نظارت و بررسی موارد نقض حقوق بشر توسط مامورین حکومتی وجود ندارد. بستن روزنامه های مستقل در ایران به ادامه جو معافیت از مجازات کمک کرده است

در طی سالهای اخیر استنشادهای علنی بسیاری از زندانیان و محبوسین سابق حاکی از دخالت مدعی العموم تهران سعید مرتضوی و دفتر او در برخی از بدترین موارد نقض حقوق بشر بوده است. با وجود شواهد گسترده ای که وجود دارند مرتضوی مسئول حبس های غیرقانونی، شکنجه محبوسین و گرفتن اعترافات دروغین شناخته نشده است. ماجرای قتل زهرا کاظمی عکاس و روزنامه نگار ایرانی کانادایی که در هنگام حبس توسط قوه قضائیه و نیروهای امنیتی زیر نظر مرتضوی در ژوئن 2003 صورت گرفت همچنان حل نشده باقی مانده است. وکلای مدافع خانواده کاظمی اظهار داشته اند که علاوه بر علائم شکنجه نظیر شکستگی بینی و انگشتان دست و پا، ضربات سنگینی در هنگام حبس اولیه زهرا کاظمی در واحد اطلاعات زندان اوین در 23 ژوئن سال 2003 و نیز ضربه دیگری سه روز بعد در زمان بازجویی توسط مرتضوی به سر او وارد آمده است. بر اساس گزارش های کالبد شکافی انجام شده کاظمی در اثر ضربات سنگین سرش فوت کرده است. بدنبال تقاضای تجدید نظر وکلای مدافع خانواده کاظمی جلسه تجدید نظری در ژوئیه 2005 تشکیل شد که طی آن این وکلا از قوه قضائیه خواستار رسیدگی به اتهامات قتل عمد شدند. اما قاضی این تقاضا را رد کرد. قوه قضائیه تاکنون هیچ اقدامی برای شناسایی یا تعقیب افرادی که مسئول قتل کاظمی هستند انجام نداده است.

مدافعین حقوق بشر

در سال 2005 مقام های ایران آزار و اذیت وکلا و مدافعین مستقل حقوق بشر را تشدید کرده تا به این ترتیب مانع علنی شدن و پیگیری موارد نقض حقوق بشر شوند. قوه قضائیه در ژانویه 2005 شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل را بدون ذکر اتهام های او احضار کرد. پس از آنکه او این احضار را غیرقانونی خواند و بدنبال اعتراضات جامعه جهانی قوه قضائیه نیز این دستور را لغو کرد. در ژوئیه گذشته پس از آنکه عبادی چند مورد مشهور نقض حقوق بشر را علنی کرد، مقام های ایران مجدداً او را تهدید به دستگیری کردند. در 30 ژوئیه قوه قضائیه عبدالفتاح سلطانی وکیل و عضو کانون مدافعان حقوق بشر را محبوس کرد. این حبس پس از آن صورت گرفت که سلطانی و عبادی نسبت به عدم اقدام قوه قضائیه در پرونده زهرا کاظمی اعتراض کردند. هیچ تفهیم اتهام رسمی علیه سلطانی صورت نگرفته است. بنظر می رسد که قوه قضائیه از حبس غیرقانونی سلطانی بعنوان شیوه ای برای ارباب و سکوت سایر وکلا و مدافعین حقوق بشر استفاده می کند. اکبر گنجی ناراضی و روزنامه نگار برجسته که نقش مقام های عالیرتبه حکومتی را در قتل نویسندگان و روشنفکرانی در سال 1998 بر ملا کرد ششمین سال حبس خود را در زندان می گذراند.

اقلیت ها

اقلیت های دینی و قومی ایران مشمول تبعیض و در برخی موارد آزار و اذیت هستند. جامعه بهائیان همچنان از عبادت و شرکت در آئین های دینی خود بطور علنی محرومند. در آوریل 2005 و بدنبال انتشار یک نامه منسوب به محمد علی ابطحی مشاور رئیس جمهور وقت محمد خاتمی مبنی بر طرح دولت برای کاهش جمعیت اقوام عرب در خوزستان، موجی از اعتراضات استان جنوبی خوزستان را که شامل قریب دو میلیون ایرانی عرب تبار می باشد فراگرفت. این درگیری ها بدنبال شلیک گلوله توسط نیروهای امنیتی برای پراکنده کردن تظاهرکنندگان در اهواز به خشونت کشیده شده و به سایر نقاط خوزستان نیز سرایت کرد. یک روز بعد ابطحی و سایر مقام های حکومتی این نامه را جعلی خواندند. در طی این درگیری ها نیروهای امنیتی دستکم پنجاه تظاهرکننده را کشته و صدها تن را نیز دستگیر کردند.

در ژوئیه 2005 نیروهای امنیتی شیوان قادری یک فعال کرد را در مهاباد به قتل رساندند. بدنبال این واقعه اعتراضاتی در شهرهای مختلف کردستان صورت گرفت که طی آن از حکومت خواسته شد قاتلین قادری را دستگیر و محاکمه کند. نیروهای حکومتی این اعتراضات را فرونشانده و دستکم هفده تن را کشته و تعدادی از روزنامه نگاران و فعالین کرد را دستگیر کردند. در اکتبر 2005 این افراد با گذاردن وثیقه آزاد شدند.

بازیگران بین المللی کلیدی

سیاست اتحادیه اروپا در قبال ایران در سال 2005 متمرکز بر مذاکره بر سر برنامه های هسته ای این کشور بود و نگرانی در مورد حقوق بشر موضوعی ثانوی بود. اتحادیه اروپا قول داده است که پیشرفت در همکاری ها با ایران را مشروط به احترام تهران به حقوق بشر نماید، اما تاکنون نتیجه چندانی حاصل نشده است. استرالیا و سوئیس نیز با ایران "گفت وگو در زمینه حقوق بشر" دارند اما تاکنون هیچ معیاری برای برآورد پیشرفت در این زمینه اعلام نشده است. برغم مخالفت های شدید ایران، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ای در نوامبر سال 2005 به تصویب رساند که طی آن به موارد جدی نقض حقوق بشر و نیز وخیم تر شدن وضع حقوق بشر در ایران صحنه گذارده شد. اما در سال 2005 برخلاف سالهای پیشین هیچ قطعنامه ای درباره وضع حقوق بشر در ایران در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل مطرح نشد. بدنبال دعوتنامه دائم تهران از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل که در سال 2002 صادر شد، گروه کاری حبس های خودسرانه و نیز گزارشگر ویژه ترویج و حفاظت از حق آزادی عقیده و بیان از این کشور دیدار کرده و بدنبال آن گزارش های انتقاد آمیزی از اقدامات حکومت منتشر کردند. اما حکومت از اجرای پیشنهادات آنها خودداری نموده و در برخی موارد نیز دست به اقدامات تلافی جویانه ای نظیر دستگیری مجدد افرادی که در ملاقات به کارشناسان سازمان ملل شهادت دادند زده است. در ژانویه 2005 گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان از ایران دیدار نمود. در اوت همان سال گزارشگر ویژه مسکن به ایران سفر کرد. اما ایران هنوز پاسخی به درخواست گزارشگران ویژه شکنجه و اعدام های فر اقصائی سازمان ملل برای دیدار از این کشور نداده است.

روابط بین ایالات متحده و ایران همچنان ضعیف باقی مانده است. پرزیدنت بوش در اوت 2005 گفت که اقدام نظامی آمریکا علیه ایران "گزینه ای بر روی میز" است اما گزارش ها حاکی از ادامه اختلافات در درون دولت آمریکا بر سر این موضوع است.